

بررسی و تحلیل آموزش مطلوب از دیدگاه اسلام

مریم الهی زاده^۱، زاهده رحمانیان^۲

^۱دکتری زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم انسانی، پردیس کوثر، دانشگاه فرهنگیان، استان کهگیلویه و بویراحمد، ایران
^۲دکتری روانشناسی ورزشی، کارشناس پژوهش، دانشکده علوم انسانی، پردیس کوثر، دانشگاه فرهنگیان، استان کهگیلویه و بویراحمد، ایران

نویسنده مسئول:

مریم الهی زاده

چکیده

اهمیت و ارزش آموزش و آموختن در دین اسلام بر کسی پوشیده نیست. آیات و روایات بسیاری در این باب ذکر شده است. اما مهم تر از این آن است که دین اسلام تنها به بیان پاره‌ای گزاره‌های شعارگونه در مورد علم‌آموزی بسنده نکرده است، بلکه با تأکید بر چگونه آموختن، شاخص‌ها و معیارهای آموزش مطلوب را هم تعیین کرده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها را با استناد به آیات و روایات دینی تبیین نماییم. ویژگی‌هایی از جمله: تأکید بر تفکر محوری در آموزش و پرهیز از حافظه پروری و کاربردی کردن علم در زندگی واقعی فراگیران با تکیه بر راهبردهایی همچون: نگرش شبکه‌ای حاکمیت تفکر سیستمی، و پیاده کردن نظام آموزشی بر مبنای الگوریتم یا آموزش گام‌به‌گام.
کلمات کلیدی: اسلام، آموزش مطلوب، تفکر محوری، کاربرد.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز و منحصر به فرد دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان و مکاتب بشری، تأکید فراوان بر علم‌آموزی و تعلیم و تربیت است. نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، پایگاه رفیع آموختن و آموزش را در کلام وحی اثبات می‌کند. علاوه بر این، شخص پیامبر اسلام (ص) اهتمام ویژه‌ای نسبت به این مسئله نشان داده‌اند. در تواریخ صدر اسلام به کرات، توصیه ایشان به علم‌آموزی ذکر شده است؛ از جمله مثلاً در نبرد بدر به دستور ایشان، آزادی هر یک از اسرای لشکر کفار در گرو آموزش خواندن و نوشتن به ده تن از اطفال مسلمانان بوده است [۱]. روایات متعددی نیز از وی در باب اهمیت علم و دانش آموختن وجود دارد تا آنجا که ایشان طلب علم را حتی در کشوری همچون چین که مظهر شرک و کفر و دوری جغرافیایی از مرزهای جهان اسلام آن روز به شمار می‌آمده، توصیه نموده‌اند. در سیره امامان معصوم ما نیز مسئله تعلیم و آموزش جایگاه ویژه‌ای دارد. لقب امام محمدباقر (ع) به معنی شکافنده علوم و زندگانی سراسر برکت امام جعفر صادق (ع) که شاگردان شایسته و دانشمندانی بنام را در علوم مختلف به جهان بشریت ارزانی داشته‌اند، نمونه‌هایی از اهمیت و ارزش علم و آموزش از دیدگاه اسلام است.

بی‌تردید از آنجا که دین اسلام برای همه امور زندگی انسان در این دنیا برنامه دارد و به گونه‌ای دقیق و موشکافانه به همه جزئیات و ریز آن امور نیز می‌پردازد، درباره مسئله تعلیم و آموزش هم به تمام شرایط آن نظر دارد. هر آموزشی از منظر اسلام، مقبول نیست. آن چنان که هدف نهایی از خلقت انسان از دیدگاه اسلام، رسیدن به کمال و حیات طیبه است، آموزش او نیز باید در همین راستا باشد؛ بنابراین هر نوع آموزشی که در جهت خلاف این هدف و الا قرار بگیرد از دید دین اسلام مردود است. این پژوهش نیز درصدد است تا به این سؤال بپردازد: آموزش مطلوب از دیدگاه اسلام کدام است و دارای چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است؟

پیشینه تحقیق

اگرچه در مورد اهمیت تعلیم و تربیت در دین اسلام در کتب مختلف دینی و تاریخی، بسیار سخن گفته شده است اما درباره مشخصات آموزش مطلوب در اسلام، تاکنون و تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است، پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است؛ بنابراین این پژوهش در نوع خود تازه و منحصر به فرد است.

ضرورت تحقیق

از آنجا که ما در یک جامعه دینی و اسلامی زندگی می‌کنیم و در اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت ما، هدف نهایی آموزش بر اساس تعالیم اسلام، شکوفایی استعدادها و نیل به کمال است، باید شاخصه‌های این آموزش نیز بر همین پایه تعریف و مشخص شوند تا دسترسی به هدف میسر گردد؛ بنابراین ضرورت پژوهش‌های جامع و کاربردی در این خصوص (آموزش مطلوب از دیدگاه اسلام) کاملاً احساس می‌شود.

روش تحقیق

روش کار در این مقاله، روش توصیفی و اسنادی (کتابخانه‌ای) است.

تعریف آموزش

معادل واژه "آموزش" در عربی "تعلیم" و در انگلیسی "teaching" و "instruction" است. در تعریف آموزش گفته‌اند: «فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند فراگیر به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد» [۲]. آموزش می‌تواند دارای سطوح مختلف باشد؛ گاه سطحی است؛ یعنی فقط مفاهیم از یک طرف به طرف دیگر انتقال می‌یابد و گاه از سطح انتقال مفاهیم فراتر می‌رود و منجر به تأثیر عمیق‌تری می‌شود که از آن به «یادگیری» تعبیر می‌شود [۳].

شاخص‌های آموزش مطلوب در اسلام

همان گونه که قبلاً گفته شد، دین اسلام تنها به بیان کلیات بسنده نکرده است و توجه به جزئیات و ریز امور هم در قرآن مجید و هم در روایات و احادیث بزرگان دین نمود بارز دارد. علاوه بر آیات و احادیث فراوان در باب اهمیت آموختن و ترغیب به دانش - اندوزی، آیات و روایات بسیاری نیز درباره چگونگی این آموزش وجود دارد که اکنون با استناد به همین آیات و روایات، چند شاخص و معیار مهم در این مورد را بیان می‌کنیم:

تفکر محوری در آموزش

حافظه محوری از عمده‌ترین آسیب‌های نظام تعلیم و تربیت است؛ در این نوع آموزش همه داده‌ها در حد تعریف و دانش سطحی باقی می‌ماند و هرگز به مراحل بالاتر درک و فهم و نمود عینی در رفتار نمی‌رسد. امیر مؤمنان، علی (ع) در این باره می‌فرماید: "اعقلوا الخبر اذا سمعتموه عقل رعایه لا عقل روايه فان رواه العلم كثير و رعايه قليل: وقتی مطلبی را می‌شنوید آن را تحلیل کنید و جوابش را بررسی نمایید، نه این که فقط شنونده باشید و به ذهن بسپارید. افرادی که مطالب را حفظ می‌کنند زیادند اما کسانی که مطالب را تحلیل می‌کنند کم‌اند [۴]."

فرآیند فهم و یادگیری در نوع بشر دارای سطوح مختلف است. اندیشمندان هفت مرحله را برای فهم برشمرده‌اند:

الف: تصور اولیه: اولین فعالیت ذهن و تصویربرداری از واقعیات و نگهداری آن‌ها در حافظه.

ب: فهم اولیه: برقرار کردن رابطه بین مفاهیم موجود یا از پیش دانسته.

ج: فهم کاربردی: استفاده کردن از معلومات خود برای اثرگذاری در فعالیت‌های عملی خود.

د: فهم تحلیلی: انجام عملیات تجزیه و تحلیل اجزاء و ارتباطات آن‌ها.

ه: فهم ترکیبی: پس از تجزیه و تحلیل اجزاء، ارتباطات جدیدی کشف می‌شود که باید با یکدیگر ترکیب شوند و یک کل را تشکیل دهند تا تصور صحیحی از موضوع به دست آید.

و: فهم نقادانه: فهم‌های ترکیبی در صورت نقد و بررسی و ارزشیابی می‌توانند از خطا و اشتباه مصون بمانند.

ز: فهم شهودی: این دنیا متصل به عوالم غیرمادی و ملکوتی است. بدون اطلاع به حقایق آن عوالم، هر چه در این دنیا به دست می‌آید ارزش چندانی ندارد [۵].

حال با یک نگاه سطحی درمی‌یابیم که آنچه در اغلب کلاس‌های درس و نظام آموزشی ما می‌گذرد، محدود به همان مرحله اول و دوم می‌شود و اصلاً سطوح دیگر را در بر نمی‌گیرد. از دید دین مبین اسلام بهترین و عالی‌ترین نوع آموزش آن است که از مرتبه ذهن نیز فراتر رود؛ یعنی دل را در بر بگیرد: "ما العلم الا ما حواه الصدر: علمی واقعی و مفید است که در درون انسان لمس شود و فقط ذهنی نباشد (پیامبر اسلام "ص") [۶]."

امیر مؤمنان، علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه، علم را به دو دسته "مسموع" و "مطبوع" تقسیم کرده‌اند. علم مسموع همان علم حافظه محور است که ارزش چندانی ندارد و تنها در ذهن جای می‌گیرد. اما منظور از علم مطبوع همان علم شهودی است که در دل نفوذ می‌کند و ملکه روح می‌شود [۷].

کاربردی کردن آموزش

آموزش حقیقی در هر علمی آن است که منجر به تغییر دیدگاه و رفتار شود. اگر آموزش ما باعث تغییر نگرش و رفتار در زندگی واقعی نشود، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. بسیاری از جرائم اقتصادی و اجتماعی در جامعه امروز ما به همین قضیه برمی‌گردد. فراگیر ما پس از طی چندین سال تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه و دانشگاه و گذراندن دروس متعدد دینی و قرآنی، در نهایت به یک مدیر یا کارمند رشوه بگیر یا اختلاس گر تبدیل می‌شود. این تنها یک نمونه از هزاران مورد بزهکاری‌های اجتماعی است که یکی از دلایل ارتکاب آن‌ها آموزش‌های سطحی و طوطی‌وار است که هیچ جایگاهی در زندگی عملی افراد ندارند.

کاربردی کردن آموزش در نظام تعلیم و تربیت، یک فرآیند دوسویه است؛ یعنی هم به معلم مربوط است و هم به متعلم. امام رضا (ع) در روایتی بر لزوم عامل بودن خود معلم برای تأثیرگذاری آموزش تأکید کرده‌اند: "لا تتعلم العلم ممن لم ينتفع به من لم ينتفعه علمه لا ينفك: علم را از کسی که نتوانسته است در زندگی خود از آن استفاده کند فرانگیر؛ که علم او برای تو نیز فایده‌ای نخواهد داشت" [۶]. علم بی‌عمل یا راه به جایی نمی‌برد و هیچ نتیجه‌ای در بر ندارد و یا به عاملی مخرب علیه خود شخص و اجتماع بدل می‌شود. به عبارت دیگر، علم و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند و قابل تفکیک نیستند: "العلم مقرون الی العمل فمن علم عمل و من عمل علم و العلم يهتف بالعمل فان اجابه و الا ارتحل عنه: علم با عمل همراه است. هر کس علمی را آموخت باید به آن عمل کند والا علم خود را از دست خواهد داد (امام علی (ع)) [۷]. دو راهبرد عمده در جهت کاربردی کردن آموزش وجود دارد:

نگرش شبکه‌ای

انسان در این عالم تنها نیست. عوالم و موجودات بسیار دیگری نیز وجود دارند که همه افکار، سخنان و اعمال انسان در ارتباط مستقیم با آن‌ها قرار دارد. اگر کل عالم هستی را به شکل یک هرم ترسیم کنیم، انسان از نقطه‌ای در بدنه این هرم وارد دنیا می‌شود و یک سیر صعودی را طی می‌کند تا به بالاترین نقطه در رأس هرم یعنی ذات پاک حق تعالی برسد. در این سیر عوالمی چون برزخ، قیامت و ملکوت اعلی را در پیش روی دارد و با همه موجودات و مخلوقات این عوالم از جمله جن، فرشته، شیطان، و روح در ارتباط است. پس بشر همواره در طول این مسیر، چهار نوع ارتباط می‌تواند داشته باشد: ارتباط با خود، ارتباط با خلق، ارتباط با مخلوقات و ارتباط با خدا. انسان تنها در ساحت این ارتباطات معنا می‌یابد و وجود خود را اثبات می‌کند. از آنجاکه ساختار وجودی بشر درگرو این ارتباطات است، آموزش مطلوب او نیز باید در این جهت حرکت نماید؛ مثلاً اگر بخواهیم مفهوم موجود کوچکی به نام "سلول" را به او آموزش دهیم باید وی را متوجه این سطوح از ارتباط و درنهایت عظمت و شگفتی آفرینش خداوند کنیم. تنها در این صورت است که علوم مورد آموزش برایش درونی می‌شوند و آن‌ها را در جهت خیر و مصالح خصوصی و عمومی به کار می‌گیرد و نه برای تأمین منافع فردی و تخریب مصالح عمومی.

حاکمیت تفکر سیستمی بر آموزش

سیستم مجموعه‌ای از اجزاء مرتبط، منظم و هدفمند است. "تفکر سیستمی به دنبال وحدت میان اجزاء هستی است. مراد از ایجاد وحدت یافتن هم‌شکلی‌ها و همانندی‌های واقعی و دست‌یابی به عمق مفاهیم پدیده‌ها و قانون‌مندی‌هایی است که میان پدیده‌های گوناگون در هستی وجود دارد ... در جهان‌بینی سیستمی، ذهن انسان سعی بر این دارد که از قالب‌های موضعی و جزئی‌نگر رهایی یافته و به وحدتی درباره ریشه پدیده‌ها و قوانین جهان راه یابد. تأکید نگرش سیستمی بر جامعیت و کلیت به حدی است که آن را "علم کل‌ها" توصیف کرده‌اند. نقطه اتکای این منطق، خاصیت "ظهور آثاری بر کل بیش از آثار اجزاء" است [۵].

هدف از حاکم کردن نگاه سیستمی بر آموزش، کاربردی کردن آن است؛ زیرا در یک موضوع، فراگیر خود را ملزم می‌داند که همه اجزاء را با هم ببیند، هدف را برای خود مشخص کند، از یک نقطه با برنامه مشخص حرکت نماید، محور و نقطه مرکزی موضوع را دریابد، نقاط بحران و آسیب‌ها و موانع آن موضوع را بررسی کند و درنهایت به سوی نقطه مقصد حرکت نماید.

آموزش الگوریتمی

یکی از بهترین راهکارهای رسیدن به آموزش مطلوب و مطابق با آموزه‌های اسلامی، آموزش الگوریتمی یا مرحله‌ای یا گام‌به‌گام است. در این شیوه برای آموزش هر مفهوم باید هفت مرحله طی شود:

الف: طرح سؤال: نخستین قدم در آموزش مطلوب، طرح سؤال است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "حسن السؤال نصف العلم" [۶]. سؤال بجا و نیکو نیمی از فعالیت ذهن برای کشف حقیقت است. یک سؤال خوب و کاربردی باید ساده و شفاف باشد، در حد نیازهای فرد باشد، بتواند فراگیر را متوجه نیاز به مطلب کند و موقعیتی مشابه را برای او تجسم نماید. بهترین سؤال سؤالی است که بیانگر یک نیاز ملموس یا یک مشکل در زندگی روزمره باشد تا فراگیر بتواند آن موقعیت را لمس و درک کند. یکی از بهترین روش‌ها برای فعال شدن فکر و ذهن، استفاده از "تفکر معکوس" است. تفکر معکوس یعنی تلاش برای یافتن پاسخ این سؤال که: اگر این مطلب راندانم چه مشکلی پیش می‌آید؟

برای طرح یک سؤال موفق باید مراحل زیر طی شود:

-اطلاع از تجربیات و آگاهی‌های قبلی علم‌آموزان (موقعیت خانوادگی، اجتماعی، عقیدتی و ...)

-اطلاع از تمایلات و آرزوهای فراگیران (آنچه می‌خواهند ولی فعلاً ندارند)

-شناخت زوایا و موقعیت‌ها در زندگی

-شناخت اهداف و ایده آل‌های واقعی زندگی

-استفاده از حوادث و وقایع روزمره برای مقایسه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب

-طرح سؤال به صورت اظهارنظر و قضاوت

ب: تفکر فردی: در این مرحله هر شخص به‌تنهایی در مورد سؤال موردنظر فکر می‌کند و بدون اتکا به‌پیش دانسته‌ها و محفوظات قبلی به سؤال پاسخ می‌دهد.

ج: مقایسه نظرات و بحث گروهی: یکی از بهترین روش‌ها برای آموزش مطلوب یک موضوع، مباحثه‌های گروهی است. در شیوه‌های فعال تدریس به آن گروه‌بندی می‌گویند. در گروه‌بندی باید توجه کرد که افراد گروه یکدست و مشابه نباشند؛ یعنی همه قوی یا ضعیف نباشند. باید استعدادهای مختلف را کنار هم قرارداد. هر گروه باید یک نماینده داشته باشد که البته به‌صورت

دوره‌ای و مداوم باید تغییر کند؛ یعنی همه اعضای گروه باید به نوبت نماینده شوند و نظرات گروه خود را به معلم و سایر گروه‌ها ارائه دهند. نظرات حتماً باید مکتوب شوند. نکته مهم در فعالیت‌های گروهی، نظارت مستمر معلم یا استاد بر آن‌هاست.

د: یافتن نقاط قوت و ضعف: وقتی پاسخ همه گروه‌ها ارائه شد، معلم یا استاد آن‌ها را پای تابلو می‌نویسد تا اشتراکات و اختلافات آن‌ها مشخص شود.

ه: تحلیل و بررسی: سخت‌ترین مرحله برای رسیدن به جواب مشترک، تحلیل و بررسی نقاط مشترک و مختلف نظرات گروه-هاست که باید حتماً به کمک معلم یا استاد صورت بگیرد.

و: پاسخ پیشنهادی کتاب: پاسخ یا پاسخ‌های مشترک گروه‌ها باید با پاسخ پیشنهادی کتاب مقابله شود تا جواب درست مشخص شود.

ز: یادداشت‌برداری: یکی از فعالیت‌های بسیار مهم در آموزش و یادگیری این است که اهمیت نوشتن و یادداشت‌برداری را برای فراگیر روشن کنیم: " اکتبو فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا: مطالب را بنویسید؛ چراکه بدون نوشتن نمی‌توانید آن را نگهداری کنید (امام صادق (ع)) [۶]."

نتیجه گیری

دین مبین اسلام علاوه بر تأکید فراوان بر تعلیم و آموزش، به مسئله چگونه آموختن نیز پرداخته است. روایات بسیاری از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در این باره وجود دارد که می‌تواند راه‌گشای معلمان و فراگیران در نیل به آموزش مطلوب باشد. آموزش مطلوب و نیکو از دیدگاه تعالیم الهی اسلام، آموزشی است که فرد را به تفکر در آفاق و انفس وادار کند. در آموزه‌های دینی ما تأکید بر تفکر محوری و پرهیز از حافظه پروری در آموزش است. تفکری که با مقایسه، تجزیه و تحلیل و ترکیب و نقد و ارزشیابی همراه باشد؛ یعنی تفکری همه‌جانبه و محیط بر موضوع مورد نظر. دومین محور در آموزش مطلوب از دیدگاه اسلام، کاربردی و عملیاتی شدن آموزش است؛ یعنی علمی که در رفتارهای فردی و اجتماعی به بروز و ظهور نرسد و در زندگانی واقعی افراد، تبلور عینی نیابد از دیدگاه اسلام مردود است و علاوه بر خنثی بودن، ممکن است مخرب نیز باشد.

برای رسیدن به افق والای علم کاربردی باید دو راهبرد اساسی در نظام تعلیم و تربیت تعریف شود: نخست نگرش شبکه‌ای به هستی است. در این نگرش، همه هستی با تمام عوالم و مخلوقاتش با هم ارتباط متقابل دارند. هیچ پدیده یا موضوعی به تنهایی نگرسته نمی‌شود. همه علوم به هم متصل هستند و در یک نقطه نهایی یعنی ذات مطلق پروردگار عالم به هم می‌رسند. در این دیدگاه، آموزش تک‌بعدی نیست و همه آموزش‌ها در هر علم و موضوعی در پایان به وحدت می‌رسند؛ یعنی آموزش ابزاری است برای رسیدن به کمال یا حیات طیبه. دومین راهبرد، نگاه سیستمی به آموزش است؛ یعنی یک موضوع با تمام ابعاد و اجزانش تجزیه و تحلیل می‌شود. وقتی نگاه سیستمی باشد، آموزش دارای هدف، مبدأ و مقصد، برنامه، مرکز ثقل و شناسایی موانع و آسیب‌ها می‌شود. این نگاه فراگیر و هدفمند به کاربردی شدن مفاهیم کمک می‌کند. برای این‌که به این راهبردها جامعه‌ی عمل بیوشانیم، استفاده از الگوی الگوریتم یا گام‌به‌گام در آموزش می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در این الگو هم فرد اصالت دارد و هم جمع. آموزش با این الگو با طرح یک سؤال کاربردی آغاز می‌شود نه کلی و انتزاعی. سؤال باید به گونه‌ای طرح شود که فراگیر را به تفکر و تجسم یک موقعیت وادارد. پس از تفکر فردی باید مباحثه گروهی انجام گیرد. در گام بعد نظرات مقایسه و نقد و ارزیابی می‌شوند و با پاسخ کتاب یا منبع آموزشی مقابله می‌گردند و البته در همه این مراحل، نوشتن و یادداشت‌برداری یک از ارکان اصلی آموزش محسوب می‌شود.

منابع و مراجع

- [۱] زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۴). کارنامه اسلام. تهران: امیرکبیر.
- [۲] سیف، علی اکبر. (۱۳۶۸). روان شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- [۳] همت بناری، علی. (۱۳۹۰). رابطه تعلیم و تربیت با تأکید بر دیدگاه اسلام. فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره دوم.
- [۴] کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی. مترجم و شارح: محمدباقر کمره ای. قم: اسوه.
- [۵] معاونت تحقیق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی. (۱۳۹۰). کارگاه آموزشی تربیت مدرس برای کارگاه های نگرشی دیگر. مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- [۶] مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). بحار الانوار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- [۷] رضی، سید شریف. (۱۳۸۹). نهج البلاغه. مترجم: علی اصغر فقیهی. قم: آیین دانش.
- [۸] قرآن کریم.